



Designing a Knowledge management model with an emphasis on Creativity and development of faculty members in universities executing distance Education

Sana Safari, Mozaffar Sharifzadeh, Mohammadreza Sarmadi, Mehran Farajollahi

Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran,Iran

Article Information

Article history:

Received: 2016/11/3
Accepted: 2017/01/14
Available online: 2017/01/15

EDCBMJ 2016; 9(4): 315-327

Corresponding author at:

Mozaffar Sharifzadeh

Department of Educational
Sciences, Payame Noor
University, Tehran,Iran

Tel:

09141883267

Email:

sharifzad2007@yahoo.com

Abstract

Background and Aims: The present study aimed to designing a Knowledge management model with an emphasis on Creativity And faculty members development in universities executing distance Education.

Methods: The research method is combination of quantitative-qualitative type. The study population consists of all faculty members of distance education administration universities around the country that counts to 5101 members. In the qualitative phase sampling, by using purposive sampling method (convenient), consist of 12 experts in the field of management and in quantitative phase, include random sampling. To gather data, researcher used three types of self-made questionnaire (knowledge management and Creativity, improvement of faculty members). Data normality was analyzed using the Kolmogorov-Smirnov test. Using structural equation model, which in fact is a combination of path analysis graph and confirmatory factor analysis, structural equation models were used to analyze the path and model fitness (using AMOS software).

Results: Findings indicate that the current status of knowledge management and faculty member's development in distance learning administration universities holds a desirable level for its all components with regard to the average result of criteria average (50). Pearson coefficient results show that there is a direct and strong significant correlation between two variables of knowledge management and creativity and also between creativity and improvement in the statistical community; and considering variable arrangement are defined 66 percent for improvement variance and 62 percent for creativity variance. The obtained model also has a good fit.

Conclusions: To keep pace with new developments in the training of faculty members, we need creativity and continuous improvement of personal, professional and organizational in knowledge, skills and attitudes they have and if we do the job well, they can change into very useful elements in universities.

KeyWords: knowledge management, Creativity ,development faculty members, distance education

Copyright © 2016 Education Strategies in Medical Sciences. All rights reserved.

How to cite this article:

Safari S, Sharifzadeh M, Sarmadi M R, Farajollahi M. Designing a Knowledge management model with an emphasis on Creativity and development of faculty members in universities executing distance Education. Educ Strategy Med Sci. 2016; 9 (4) :315-327



دانشگاه علوم پزشکی تهران



Farname Inc.

طراحی الگوی مدیریت دانش با تأکید بر خلاقیت و بهسازی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور

ثنا صفری، مظفر شریف زاده، محمدرضا سرمدی، مهران فرج اللهی

گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

زمینه و اهداف: پژوهش حاضر به طراحی الگوی مدیریت دانش با تأکید بر خلاقیت و بهسازی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور می‌پردازد.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، ترکیبی از نوع کمی-کیفی بوده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور کشور شامل ۵۱۰۱ نفر بوده است. روش نمونه‌گیری در مرحله کیفی به صورت نمونه‌گیری هدفمند (غیر احتمالی)، شامل ۱۲ نفر از خبرگان حوزه مدیریت و در مرحله کمی شامل نمونه‌گیری تصادفی شده است و تعداد نمونه بر اساس جدول مورگان ۳۵۷ نفر می‌باشد. جهت گردآوری داده‌ها، از ابزار پرسشنامه غیرساختارمند، نیمه‌ساختارمند و ساختارمند استفاده شده است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف و برای تحلیل مسیر و بررسی برازش مدل از معادلات ساختاری با کاربرد (نرم افزار AMOS) و برای تجزیه تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار Lisrel v8.80 استفاده شده است.

یافته‌ها: وضعیت موجود مدیریت دانش، خلاقیت و بهسازی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور با توجه به بالا بودن میانگین حاصل از میانگین معیار (عدد ۵۰) در تمام مؤلفه‌ها، در سطح مطلوبی قرار دارد و بین مدیریت دانش و خلاقیت و همچنین خلاقیت و بهسازی در جامعه آماری همبستگی معنادار مستقیم و قوی وجود دارد و در مجموع، از ۴ شاخص مربوط به برازش مدل، می‌توان با تسامح گفت مدل از برازندگی نسبتاً مناسبی برخوردار است.

نتیجه‌گیری: نیاز به خلاقیت و بهسازی مداوم فردی، حرفه‌ای و سازمانی اعضای هیأت علمی در دانش، مهارت و نگرش‌ها داریم و اگر این کار به خوبی انجام شود می‌تواند به عناصر تغییر بسیار مناسبی در دانشگاه‌ها تبدیل شوند.

کلمات کلیدی: مدیریت دانش، خلاقیت، بهسازی اعضای هیئت علمی، آموزش از دور

کپی‌رایت ©: حق چاپ، نشر و استفاده علمی از این مقاله برای مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی محفوظ است.

تاریخچه مقاله

دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۳

پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵

انتشار آنلاین: ۱۳۹۵/۱۰/۲۶

EDCBMJ 2016; 9(4): 315-327

نویسنده مسئول:

مظفر شریف زاده

گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران،
ایران

تلفن:

۰۹۱۴۱۸۳۲۶۷

پست الکترونیک:

sharifzad2007@yahoo.com

مقدمه

زمینه‌هایی چون خلاقیت، نوآوری و توسعه وابسته است که به نفوذ روزافزون سازمان در جامعه منجر می‌شود. ارزشمندترین منبع هر سازمان، دانش کارکنان آن سازمان است به طوری که برخورداری از اطلاعات و مدیریت دانش، به موقعیتی استوار برای ادامه حیات در سازمان‌های پویا و نوآور تبدیل شده و حتی توان رقابت در بازارها و تجارت، منوط به کسب، توسعه و روزآمدی

امروزه اساس سازمان‌ها را انسان‌ها تشکیل داده‌اند و سازمان یعنی جمعی از کارکنان با روحیات، علایق، افکار، دانش و شرایط فیزیکی متفاوت که بدون آن‌ها سازمان هرگز وجود خارجی پیدا نمی‌کند. لذا بیش از هر عامل دیگری کارکنان سازمان به عنوان صاحبان دانش و مهم‌ترین سرمایه‌های سازمان مورد توجه قرار گرفته‌اند، از سوی دیگر تداوم حیات سازمانی و بالندگی آن به

الگوی عمومی دانش را به شرح ذیل ارائه داده‌اند. در این الگو دانش در چهار بعد سازمان‌دهی می‌شود؛ این ابعاد عبارت‌اند از:

خلق دانش، دانش از تجربیات و مهارت‌های کارکنان ناشی

می‌شود. دانش توسط افراد با مشخص کردن شیوه‌های جدید انجام کارها یا توسعه علم، خلق می‌شود. گاهی اوقات چنانچه دانش در سازمانی وجود نداشته باشد دانش بیرونی وارد سازمان می‌شود^[۶].

حفظ دانش، تمامی فعالیت‌هایی است که منجر به بقاء و

نگهداری دانش بعد از ورود آن به سیستم می‌شود. فعالیت حفظ، شامل رفتارهای متنوعی است، مانند، فعالیت‌های مربوط به اعتبار دانش، به‌روز کردن آن^[۷].

اشتراک یا تسهیم دانش، فرایند اشاعه عبارت است از

توزیع دانش نقاط فعالیت و حتی فراتر از آن، بیرون سازمان. به‌عبارت‌دیگر، انتقال دانش سازمانی از طریق ارتباط و فرهنگ‌سازمانی، به هر شخص که نیاز دارد^[۸].

کاربرد دانش، به‌طورکلی دانش سازمانی باید در جهت

محصولات، خدمات و فرایند سازمان به‌کار رفته شود. اگر سازمانی نتواند به‌راحتی شکل صحیح دانش را در جای مناسب آن مشخص نماید در عرصه‌های رقابتی با مشکل مواجه خواهد شد. زمانی که خلاقیت راه موفقیت در جهان امروز است، سازمان باید بتواند دانش مناسب را در جای مناسب خود به کار گیرد. به‌کارگیری دانش شامل فعالیت‌هایی است که از دانش در فرایندهای کسب‌وکار استفاده می‌کنند^[۹]. Peter Drucker اعتقاد دارد راز موفقیت سازمان‌ها در قرن بیست‌ویک، اجرای صحیح مدیریت دانش است. بنابراین در سازمان‌های هزاره سوم اجرای مدیریت دانش ضروری بوده و مؤسسات باید با برنامه‌ریزی برای اجرای آن اقدام کنند. موفقیت سازمان‌ها به‌طور فزاینده‌ای به این موضوع وابسته است که چطور به‌طور مؤثر سازمان می‌تواند دانش را بین کارکنان سطوح مختلف جمع‌آوری، ذخیره و بازیابی کند^[۱۰]. در کاربرد دانش دو نکته مهم است؛ سهیم‌سازی دانش و خلاقیت. پس می‌توان گفت مدیریت‌دانش دو جزء دارد، اداره دانش و توانایی برای خلق دانش جدید، با توجه به تغییرات سریع محیط. جزء دوم مدیریت‌دانش بیشتر مورد توجه سازمان‌هاست. زیرا منجر به تسهیل و افزایش خلاقیت و نوآوری می‌شود که برای سازمان مزیت رقابتی پایدار به همراه دارد^[۱۱]. خلاقیت واژه‌ای عربی است که ریشه آن "خلق" به معنای آفریدن است. در لغت‌نامه دهخدا خلاقیت به معنای خلق کردن و بوجود آوردن است و خلاق شخصی است که دارای عقاید نو باشد^[۱۲]. تعاریف مختلفی برای خلاقیت از سوی صاحب‌نظران ارائه‌شده است.

دانش فردی و سازمانی است. عصری که ساختار فکری آن آکنده از عمق بخشیدن به اطلاعات و توجه به مشارکت نیروی انسانی خلاق و دانش‌گرا به‌جای نیروی انسانی عملکردی است^[۱]. از این‌رو، مدیریت هوشیار بر آن است تا هرچه بیشتر و بهتر در جهت استفاده از ابزاری به نام دانش برای رویارویی و مقابله با عوامل عدم اطمینان، حفظ مدیریت دانش و متقابلاً مدیریت خلاقیت و نوآوری، آن را به‌عنوان یک نیاز استراتژیک و ضروری جهت پیشگامی در عرصه رقابت‌پذیری، در زمره برنامه‌های اولویت‌دار خود قرار دهد. از طرف دیگر عصر دانش، تحولات قابل ملاحظه‌ای را در برنامه‌ها و سیستم‌های موجود در سازمان‌ها به همراه داشته است. در این میان، سازمان‌هایی که در راستای توانمندسازی و گسترش ظرفیت‌های سازمانی در حل مسائل و همچنین افزایش سرمایه‌های فکری فعالیت می‌کنند، در عرصه رقابت‌های داخلی یا خارجی، از قدرت دوام و بقای بیشتری برخوردارند. مدیریت‌دانش، یکی از رویکردهای مهم و ارزشمندی است که سازمان‌های پیشرو با استقرار آن ضمن حفظ تخصص فنی خود، از افت دانش حیاتی که از بازنشستگی، کوچک‌سازی یا اخراج کارکنان و تغییرات ساخت حافظه انسانی ناشی می‌شود، جلوگیری می‌کنند^[۲]. مدیریت‌دانش اصطلاح تازه‌ای است که جایگاه مهمی در نظریه و عمل مدیریت پیدا کرده است. این مفهوم برای توصیف فراگردهایی استفاده می‌شود که از طریق آن‌ها، سازمان‌ها برای رسیدن به برتری رقابتی، به تولید و سازمان‌دهی دانش می‌پردازند و آن را در دسترس همه کارکنان قرار می‌دهند؛ به‌عبارت‌دیگر مدیریت دانش، فراگرد استفاده از سرمایه فکری برای تفوق سازمان در رقابت با سازمان‌های هم‌تاست^[۳]. Development and Prusak معتقدند مدیریت دانش عبارت است از بهره‌برداری و توسعه سرمایه‌های دانش یک سازمان در جهت تحقق اهداف سازمان. مدیریت‌دانش چهارچوب یا نظامی است که برای کمک به سازمان‌ها طراحی شده است تا سازمان‌ها بتوانند از طریق کسب، تجزیه و تحلیل، به‌کارگیری و استفاده مجدد دانش، تصمیم‌گیری بهتر و سریع‌تری را در دنیای پیچیده امروز داشته باشند^[۴]. مدیریت‌دانش در مؤسسات آموزشی، فرایند سیستماتیک و سازمان‌یافته خلق و انتشار اطلاعات، انتخاب، خالص‌سازی و گسترش دانش صریح (آشکار) و ضمنی، برای ایجاد ارزشی منحصر به فرد که می‌تواند برای مستحکم‌تر کردن محیط یادگیری و تدریس مورد استفاده قرار گیرد^[۵]. بر اساس مطالعه ادبیات تحقیق، مطابق تقسیم‌بندی Conrad & Newman و همچنین Masa and Testa، چهار فرایند عمومی مدیریت دانش شامل، خلق دانش، حفظ دانش، تسهیم دانش و کاربرد دانش می‌باشد. Conrad & Newman و همچنین Masa and Testa،

است و مدیریت دانش بستری فراهم می‌کند که در آن کسب اطلاعات، دانش و به اشتراک‌گذاری آن در سرتاسر سازمان نهادینه می‌شود و زمینه را برای ایجاد سازمانی خلاق و نوآور فراهم می‌سازد.^[۱۸] باید پذیرفت که اهمیت خلاقیت نزد سازمان‌ها پیوسته در حال رشد است. به قول Brynteson امروزه در پاسخ به این سؤال که چرا باید خلاقیت داشته باشیم؟ بیان می‌شود که چون مجبور هستیم. تلاش‌های خلاقانه در سازمان، نتیجه سرمایه‌گذاری در امر مدیریت دانش است.^[۱۹] نتایج تحقیق Liao and Tsui در بین ۳۶۲ واحد تولیدی در چین نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین کسب دانش و افزایش خلاقیت در سازمان‌ها می‌باشد. یعنی هر چه میزان کسب دانش و اشتراک آن در سازمان افزایش داشته باشد میزان خلاقیت نیز در بین کارکنان افزایش خواهد یافت که این بیانگر وجود شدت همبستگی قوی بین دانش و خلاقیت در سازمان است.^[۲۰] مدیریت سازمان می‌تواند با مدیریت صحیح خلاقیت و نوآوری کارکنان دانشی خود، این امکان را برای آن‌ها به وجود آورد که در مسائل سازمانی که نیاز به راه‌حل‌های جدید دارند، از این افراد بهره‌گیرند. بنابراین، سازمان‌ها باید شرایطی را فراهم سازند تا خلاقیت به شکل مداوم و پیوسته ظهور یابد و ایجاد این شرایط از وظایف مدیریت دانش است. طبیعی است که در هر سازمانی برخی دانش‌های تئوری مفید و برخی نیز دانش عملی مفیدی دارند که در صورت به اشتراک‌گذاری این دانش می‌توان جهشی بزرگ در زمینه مدیریت دانش و از پی آن رفتار نوآورانه و خلق دانش را در سازمان‌ها شاهد بود.^[۲۱] امروزه جهان وارد مرحله‌ای شده است که تغییرات اساسی و شتابان، از ویژگی آن است. در چنین شرایطی، آموزش عالی نیز دستخوش تغییرات بنیادی شده که سبب تمایز آن با آموزش عالی در دهه‌های گذشته است.^[۲۲] توجه به رشد و ارتقای نیروی انسانی در قالب برنامه‌های بهسازی در سازمان‌ها برای مواجهه مناسب با تغییرات و افزایش بهره‌وری اجتناب‌ناپذیر است و اعضای هیئت‌علمی نیز از این امر مستثنی نیستند. تا قبل از دهه ۱۹۷۰ تأکید اصلی آموزش عالی بر توسعه دانشجویان متمرکز بود اما در دهه ۱۹۷۰ مباحث توسعه در حوزه آموزش عالی، بر بهسازی اعضای هیئت‌علمی متمرکز پیدا کرد و در این زمان، رشد فوق‌العاده‌ای در توجه به برنامه‌های بهسازی اعضای هیئت‌علمی به وجود آمد. فعالیت‌های توسعه‌ی اعضای هیئت‌علمی دارای اهداف مختلفی می‌باشد؛ اما در کل به منظور ارتقاء و توسعه فردی، حرفه‌ای، آموزشی و سازمانی اعضای هیئت‌علمی طراحی شده‌اند.^[۲۳] «Tileri» بهسازی هیئت‌علمی را استقرار فعالیت‌هایی که خلق دانش را بهبود می‌بخشد تعریف می‌کند بر اساس تعریف شبکه بهسازی هیئت‌علمی در آموزش عالی،

Amabil صاحب‌نظر خلاقیت در تعریف خلاقیت بر مواردی چون سطوح خلاقیت و محیط تأکید دارد. بدین معنی که خلاقیت عبارت است از تولید ایده‌های تازه و ارزشمند توسط یک فرد یا گروه کوچکی از افراد که با هم کار می‌کنند. هسته اصلی یا عامل مشترک در همه تعاریف مربوط به خلاقیت ایجاد مفهوم جدید و با ارزش است.^[۱۳] به گفته Allard خلق دانش جدید برای خلاقیت، یکی از دلایلی است که سازمان‌ها را برای استفاده از اطلاعات، برمی‌انگیزاند.^[۱۴] شناخت عوامل مؤثر بر خلاقیت افراد در سازمان‌ها، می‌تواند کمک کند تا با تقویت آن‌ها، بستری مناسب برای پرورش و تعالی سازمان فراهم شود؛ عوامل مؤثر بر خلاقیت در دو دسته کلی، عوامل مؤثر فردی و عوامل مؤثر سازمانی طبقه‌بندی می‌شوند. عوامل فردی شامل، خلق‌و‌خو و طبیعت، انگیزش، توانایی‌های عقلانی، ذهنی و فکری، علم و دانش می‌شود و عوامل سازمانی شامل، سیستم پاداش، سیستم آموزش، شیوه و سبک رهبری، فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی و امکانات می‌باشد.^[۱۵] بیشتر محققین، خلاقیت را اغلب به صورت دوتایی در مقابل هم قرار داده‌اند. که در این پژوهش به منظور سنجش و ارزیابی خلاقیت، بر اساس تقسیم‌بندی بر اساس طبقه‌بندی Quvik & Nelson ابعاد خلاقیت در حوزه سازمان به عوامل فردی و سازمانی دسته‌بندی می‌شود. یکی از مباحث غیرقابل انکار در سازمان‌های امروزی، اهمیت حیاتی بحث خلاقیت برای سازمان‌ها و از سوی دیگر نقش بسیار مؤثر مدیریت دانش در بروز خلاقیت سازمانی است. امروزه در پیش گرفتن رفتارهای خلاقانه و ایجاد تغییر و دگرگونی در سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌ها، امری ضروری است. از این رو تولید و بهره‌گیری از ایده‌های تازه، این امکان را به سازمان می‌دهد که بتواند با شرایط متغیر بازار منطبق شده، به تهدیدها و فرصت‌ها پاسخ به موقع داده و رشد و توسعه یابد. کمبود خلاقیت و نوآوری نیز یکی از عوامل اصلی پائین بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه است و تا زمانی که این کشورها خلاقیت، نوآوری و آموزش‌های استفاده از علوم و دانش و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای را ارتقاء نداده‌اند بازدهی و کارایی نیروی کار سازمان‌ها، در سطح نازل باقی می‌ماند.^[۱۶] در چنین شرایطی سازمان‌هایی برنده و کامیاب هستند که ضمن کسب دانش و آگاهی وسیع از عوامل محیطی، حفظ بقاء و حیات خود، زمینه‌ی رشد و پویایی و خلاقیت در سازمان را بهبود و ارتقاء بخشند، یکی از راه‌های تحقق این مقوله، مدیریت دانش است.^[۱۷] چراکه با توجه به شتاب تحولات، محیط رقابتی و عدم اطمینان محیطی در دنیای امروز، دانش، راهبردی‌ترین منبع برای حفظ و تقویت مزیت به شمار می‌رود و مدیریت اثربخشی دانش یکی از جدیدترین چالش‌های سازمان‌ها

کاربردی کردن مدیریت‌دانش باعث افزایش خلاقیت و بهسازی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور شود که تا به حال اجرا نشده است.

روش بررسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، ترکیبی از نوع کمی-کیفی بوده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور کشور می‌باشند که تعداد آن‌ها ۵۱۰۱ عضو می‌باشد که شامل دانشگاه‌های پیام نور، دانشگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی، دانشگاه تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشگاه صنعتی امیرکبیر و دانشگاه تربیت مدرس می‌شود. در این پژوهش، تعداد نمونه بر اساس جدول مورگان ۳۵۷ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری در مرحله کیفی به صورت نمونه‌گیری هدفمند (غیراحتمالی)، مشتمل بر ۱۲ نفر از خبرگان در حوزه مدیریت و در مرحله کمی شامل نمونه‌گیری تصادفی بوده است. جهت گردآوری داده‌ها، از ابزار پرسشنامه غیر ساختارمند، نیمه ساختارمند و ساختارمند استفاده شده است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳، نشان‌دهنده اعتبار لازم برای پرسشنامه است. نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و ارتباط بین سه متغیر مدیریت دانش، خلاقیت و بهسازی با استفاده از ضریب همبستگی مورد بررسی قرار گرفته است. از تحلیل عاملی تأییدی برای روایی سازه، نتایج تحلیل مسیر، آزمون سؤال‌های پژوهش و بررسی برازش مدل از معادلات ساختاری (نرم‌افزار AMOS) استفاده شده است. برای بررسی اعتبار و کفایت داده‌ها از شاخص KMO از آزمون بارتلت نیز برای بررسی چگونگی ماتریس همبستگی استفاده شده است و از شاخص برازندگی ریشه میانگین مجذورات تقریب خطا (RMSEA)، و برای برازندگی مدل‌های معادلات ساختاری استفاده شده است. به منظور تجزیه تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Lisrel v8.80 Scientific Software International استفاده شده است.

یافته‌ها

سوال ۱: وضعیت مطلوب متغیر مدیریت‌دانش در دانشگاه‌های مجری آموزش از دور به چه میزان است؟
برای پاسخ به این سؤال از آزمون T تک نمونه استفاده شده است. با توجه به اینکه میانگین معیار با توجه به تحقیق‌های قبلی وجود نداشت لاجرم نقطه وسط طیف به عنوان متغیر معیار در نظر گرفته شد. در هر مؤلفه میانگین حاصله با عدد ۳ به عنوان

بهسازی هیئت‌علمی به تمام برنامه‌هایی اطلاق می‌شود که بر اعضای هیئت‌علمی متمرکز است. این برنامه‌ها، بر بهسازی اعضای هیئت‌علمی در جنبه‌های تدریس، تحقیق و فعالیت‌های حرفه‌ای تأکید می‌کنند. «Stizett» معتقد است که حیات مؤسسات آموزش عالی، وابسته به علاقه و تخصص اعضای هیئت‌علمی است؛ بنابراین، بهسازی اعضای هیئت‌علمی نقش اساسی را در نوآوری و ارتقای تعالی دانشگاهی ایفاء می‌کند؛ اعضای هیئت‌علمی با درک درست از محیط اجتماعی خود، می‌توانند به‌عنوان عامل تعالی دانشگاه تلقی شوند. پس بنابراین، بهسازی اعضای هیئت‌علمی، نقش بسیار مهمی را در ایجاد محیطی برای با ارزش قلمداد کردن آموزش و پژوهش ایفاء می‌کند^[۲۴]. اصطلاح آموزش از راه دور را اولین بار کراس وضع کرد و از نظر او به انواع آموزش‌هایی اشاره دارد که از فن‌آوری‌های اینترنت و اینترنت برای یادگیری استفاده می‌کند. cooper آموزش الکترونیکی را مجموعه فعالیت‌های آموزشی می‌داند که با استفاده از ابزارهای الکترونیکی اعم از صوتی، تصویری، رایانه‌ای و شبکه‌ای صورت می‌گیرد^[۲۵]. Mayer به تعریف مفهومی از آموزش الکترونیکی پرداخته است و آن را یادگیری فعال و هوشمندی می‌داند که ضمن تحول در فرایند یاددهی-یادگیری در گسترش و تعمیق و پایدار ساختن فرهنگی فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش اساسی و محوری خواهد داشت^[۲۶]. آموزش از راه دور با بهره‌گیری از پیشرفت‌های سریع در حوزه فن‌آوری ارتباطات نسبت به شکل ابتدایی خود که آموزش مکاتبه‌ای بوده راه تکاملی سریعی را طی کرده است. ارائه خدمات آموزشی از فاصله دور، به کمک وسایل ارتباطی جدید، پیشرفت دانش فنی وسایل ارتباط جمعی و نیز توجه دانشمندان به ابعاد آموزش اجتماعی این پیشرفت فن‌آوران، به آن چنان نتایج خوبی دست یافته است که امروزه، تقریباً تمام کشورهای جهان، اعم از پیشرفته و در حال پیشرفت به استفاده از آن روی آورده و آموزش از راه دور را در مجموعه برنامه‌های آموزشی خود قرار داده‌اند^[۲۷]. با بررسی پیشینه پژوهش، این نتیجه حاصل می‌شود که بیشتر تحقیقات علمی در زمینه تشریح سیستم مدیریت‌دانش در سازمان‌های پروژه محور، به صورت مدل‌های ساختاری ارائه شده‌اند که در زمینه فعالیت‌های مختلفی مورد استفاده و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند؛ همچنین روش تحقیق مورد استفاده در آن‌ها بر اساس رویکرد کمی بوده و در زمینه اجزای تشکیل‌دهنده سیستم مدیریت‌دانش، بعضاً مشاهده می‌شود که تنها بر تعداد محدودی از اجزای تشکیل‌دهنده سیستم مدیریت‌دانش تأکید شده است. آنچه این تحقیق را از سایر تحقیقات متمایز می‌سازد، استفاده از رویکرد کیفی است و پژوهشگر به دنبال طراحی یک مدل جدید است که بتواند با

برای حل مسائل و مشکلات از خود نشان داده و به راحتی از کنار آن‌ها نمی‌گذرند و از یک شخصیت قابل اعتماد و مسئولیت‌پذیر برخوردار بوده و در اوقات فراغت نیز ایده‌های بهتری را طرح‌ریزی می‌کنند. اما در مقابل، اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور قادر به انجام کارها و حل مسائل به صورت تیمی نیستند و تأکید کمتری به انجام امور، طبق قانون و مقررات و بخشنامه‌ها رادارند. دانشگاه‌ها نیز نتوانسته‌اند انگیزه اعضای هیئت‌علمی خود را برای تبدیل تصورات ذهنی به ایده‌های عملی بالابردند و حتی موفق به ایجاد سیستم تشویقی مطلوب مبتنی بر عملکرد و به‌طور عادلانه نیز نشده‌اند.

سؤال ۳: وضعیت مطلوب متغیر بهسازی اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌های مجری آموزش از دور به چه میزان است؟

برای پاسخ به این سؤال از آزمون T تک نمونه استفاده شده است. با توجه به اینکه میانگین معیار با توجه به تحقیقات قبلی وجود نداشت لاجرم نقطه وسط طیف به‌عنوان متغیر معیار در نظر گرفته شد. در هر مؤلفه میانگین حاصله با عدد ۳ به‌عنوان نقطه وسط طیف مقایسه شده و معناداری یا عدم معناداری میانگین گوئی با میانگین معیار (عدد ۵۰) بررسی شد. بیشترین میانگین مربوط به گوئی‌های بهسازی در گوئی ۶۸ با میانگین ۴/۰۶، گوئی ۵۳ با میانگین ۴/۰۲، گوئی ۴۹ با میانگین ۳/۹۶، گوئی ۴۸ با میانگین ۳/۹۲ و گوئی ۵۰ با میانگین ۳/۸۵ می‌باشد. با توجه به نتایج، یافته‌ها نشان می‌دهد که اعضای هیئت‌علمی مراکز مجری آموزش از دور، از مهارت‌های خودمدیریتی، خود ارزیابی، خودکنترلی، خودتنظیمی برخوردار هستند و از الگوها و روش‌های جدید تدریس و یادگیری آگاهی کامل دارند.

سؤال ۴: وضعیت موجود متغیر مدیریت دانش در دانشگاه‌های مجری آموزش از دور به چه میزان است؟

برای پاسخ به این سؤال از آزمون T تک نمونه استفاده شده است. در هر مؤلفه میانگین حاصله با عدد ۵۰ به‌عنوان نقطه وسط طیف مقایسه شده و معناداری یا عدم معناداری میانگین متغیر با میانگین معیار (عدد ۵۰) بررسی شده است. نتایج مندرج در جدول ۱ نشان می‌دهد در تمام مؤلفه‌های مدیریت دانش (خلق، تسهیم و کاربرد دانش) میانگین حاصله از میانگین معیار از (عدد ۵۰) بیشتر است. بر اساس نتایج آزمون T تک نمونه می‌توان گفت تفاوت بین میانگین مؤلفه‌ها با میانگین معیار معنادار بوده و قابل‌تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت در تمام مؤلفه‌ها و متغیر مدیریت دانش میزان متغیرها بیشتر از

نقطه وسط طیف مقایسه شده و معناداری یا عدم معناداری میانگین گوئی با میانگین معیار (عدد ۵۰) بررسی شد. بیشترین میانگین مربوط به گوئی‌های مدیریت دانش در گوئی ۳ با میانگین ۳/۷۳، گوئی ۹ با میانگین ۳/۶۳، گوئی ۲ با میانگین ۳/۵۹، گوئی ۵ با میانگین ۳/۵۳ و گوئی ۱ با میانگین ۳/۵۱ می‌باشد و کمترین میانگین مربوط به گوئی ۱۹ با میانگین ۲/۷۸، گوئی ۱۶ با میانگین ۲/۹۲، گوئی ۱۳ با میانگین ۲/۹۲، گوئی ۱۸ با میانگین ۳/۰۶ و گوئی ۸ با میانگین ۳/۱۰ می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که دانشگاه‌های مجری آموزش از دور از جو و فرهنگ مساعد برای تبادل دانش و اعضای هیئت‌علمی از توانایی انجام کار گروهی و از آزادی عمل در انجام وظایف محوله برخوردارند و همچنین در دانشگاه‌های مجری آموزش از دور به خلاقیت و طرح اندیشه‌های نو بهاء داده شده و تمامی اعضاء برای به اجرا درآوردن نظریه‌ها و ایده‌های خود از فضای مناسب برخوردارند. اما در مقابل، دانشگاه‌های مجری آموزش از دور نتوانسته‌اند امکانات کافی را برای اعضای هیئت‌علمی خود در امر مستند سازی در راستای به اشتراک‌گذاری دانش فراهم کنند و همچنین دانشگاه‌های مورد نظر فاقد دفتر یا واحد مشخص برای پیگیری امور مربوط به خلق و ذخیره دانش هستند و نه تنها جلسات مستمر و منظم برای تبادل اطلاعات میان مدیر با اعضاء وجود ندارد.

سؤال ۲: وضعیت مطلوب متغیر خلاقیت اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌های مجری آموزش از دور به چه میزان است؟

برای پاسخ به این سؤال از آزمون T تک نمونه استفاده شده است. با توجه به اینکه میانگین معیار با توجه به تحقیق‌های قبلی وجود ندارد لاجرم نقطه وسط طیف به‌عنوان متغیر معیار در نظر گرفته شده است. در هر مؤلفه میانگین حاصله با عدد ۳ به‌عنوان نقطه وسط طیف مقایسه شده و معناداری یا عدم معناداری میانگین گوئی با میانگین معیار (عدد ۵۰) بررسی شد. بیشترین میانگین مربوط به گوئی‌های خلاقیت در گوئی ۳۱ با میانگین ۴/۵۴، گوئی ۳۲ با میانگین ۴/۴۵، گوئی ۳۰ با میانگین ۴/۲۷، گوئی ۲۴ با میانگین ۴/۱۸ و گوئی ۲۶ با میانگین ۴/۱۰ می‌باشد و کمترین میانگین مربوط به گوئی ۴۱ با میانگین ۳/۱۰، گوئی ۳۴ با میانگین ۳/۲۷، گوئی ۴۳ با میانگین ۳/۳۰، گوئی ۴۵ با میانگین ۳/۳۱ و گوئی ۴۴ با میانگین ۳/۳۳ می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که اعضای هیئت‌علمی مراکز مجری آموزش از دور، ضمن اینکه از شیوه‌گام‌به‌گام برای حل مسئله استفاده می‌کنند بلکه توانایی پیش‌بینی راه‌حل یک مسئله را نیز دارند و تلاش زیادی

بیشتر از متوسط است. یعنی در بخش خلاقیت فردی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور، دارای قابلیت حل مسئله با یک‌رویه صحیح و گام‌به‌گام، اهمیت دادن به عقاید و باورها، احساسات شهودی بالا، توانایی پیش‌بینی راه‌حل یک مسئله و نهایتاً از یک شخصیت قابل اعتماد و مسؤلیت‌پذیر برخوردارند و در بخش خلاقیت سازمانی، میزان با ارزش بودن خلق دانش در دانشگاه، استقبال از تغییرات مناسب، احساس تعلق به دانشگاه، روحیه انتقادپذیری، آزادی عمل در اظهارنظر و از بین بردن روحیه محافظه‌کارانه، استفاده از روش تصمیم‌گیری مشارکتی و از حمایت مالی دانشگاه‌ها از تحقیق و توسعه برخوردارند.

سؤال ۶: وضعیت موجود متغیر بهسازی اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌های مجری آموزش از دور به چه میزان است؟

برای پاسخ به این سؤال نیز از آزمون T تک نمونه استفاده شده است. در هر مؤلفه میانگین حاصله با عدد ۵۰ به‌عنوان نقطه وسط مقایسه شده و معناداری یا عدم معناداری میانگین متغیر با میانگین معیار (عدد ۵۰) بررسی شده است.

جدول ۱. بررسی میزان متغیر مدیریت دانش و مؤلفه‌های آن

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	T	معناداری
خلق دانش	۵۵/۹۹	۲۳/۹۹۱	۴/۷۰۱	۰/۰۰۰
تسهیم دانش	۵۶/۷۱	۲۳/۶۱۰	۵/۳۵۸	۰/۰۰۰
کاربرد دانش	۵۶/۲۰	۲۹/۸۹۵	۳/۹۰۶	۰/۰۰۰
مدیریت دانش	۵۶/۲۵	۲۲/۹۶۶	۵/۱۲۹	۰/۰۰۰

جدول ۲. بررسی میزان متغیر خلاقیت و مؤلفه‌های آن

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	T	معناداری
خلاقیت فردی	۶۸/۸۷	۱۴/۷۷۰	۲۴/۰۶۷	۰/۰۰۰
خلاقیت سازمانی	۵۶/۵۷	۲۳/۵۱۵	۵/۲۶۲	۰/۰۰۰
خلاقیت	۶۳/۴۰	۱۵/۴۳۸	۱۶/۳۵۴	۰/۰۰۰

جدول ۳. بررسی میزان متغیر بهسازی و مؤلفه‌های آن

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	T	معناداری
بهسازی آموزشی	۶۴/۹۴	۱۸/۳۶۱	۱۵/۳۲۸	۰/۰۰۰
بهسازی سازمانی	۵۹/۴۳	۲۴/۵۴۵	۷/۲۳۶	۰/۰۰۰
بهسازی فردی	۶۶/۲۹	۲۰/۰۴۳	۱۵/۳۱۱	۰/۰۰۰
بهسازی	۶۳/۶۷	۱۸/۵۱۹	۱۳/۹۰۹	۰/۰۰۰

متوسط است. یعنی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور از آزادی عمل، فضای مساعد در جهت به اجرا درآوردن نظریه‌ها و ایده‌های خود، جو و فرهنگ مناسب برای تبادل دانش بین همکاران، توانایی انجام کار گروهی، وجود سازوکارها و ابزارها در دانشگاه‌ها برای تبدیل دانش نهان به دانش آشکار و از دانش به‌عنوان کلید موفقیت و شایستگی فعالیت‌ها برخوردارند.

سؤال ۵: وضعیت موجود متغیر خلاقیت اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌های مجری آموزش از دور به چه میزان است؟

برای پاسخ به این سؤال از آزمون T تک نمونه استفاده شده است. در هر مؤلفه میانگین حاصله با عدد ۵۰ به‌عنوان نقطه وسط طیف مقایسه شده و معناداری یا عدم معناداری میانگین متغیر با میانگین معیار (عدد ۵۰) بررسی شد. نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد در تمام مؤلفه‌ها، میانگین حاصله از میانگین معیار (عدد ۵۰) بیشتر است. بر اساس نتایج آزمون T تک نمونه می‌توان گفت تفاوت بین میانگین مؤلفه‌ها با میانگین معیار معنادار بوده و قابل‌تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت در تمام مؤلفه‌ها و متغیر خلاقیت میزان متغیرها

استفاده آنان از مدیریت دانش نیز بیشتر خواهد بود. افراد خلاق، دارای انگیزه پیشرفت جمعی و تمایل بیشتری به ارتقای سطح دانش خود و دیگران در مقایسه با افراد غیرخلاق می باشند.

سؤال ۸: به نظر می رسد بین متغیر مدیریت دانش با بهسازی اعضای هیئت علمی در دانشگاه های مجری آموزش از دور رابطه وجود دارد؟

جدول ۵. بررسی رابطه بین مدیریت دانش و بهسازی

متغیر مستقل	مدیریت دانش
متغیر وابسته	بهسازی
ضریب همبستگی پیرسون (R)	۰/۶۷۸
ضریب تعیین (R Square)	۰/۴۶
معناداری (sig)	۰/۰۰۰

نتایج ضریب پیرسون نشان می دهد بین دو متغیر مدیریت دانش و بهسازی در جامعه آماری همبستگی معنادار مستقیم و قوی وجود دارد. مقدار ضریب پیرسون برابر با ۰/۶۷۸ و معناداری متناظر با آن برابر با ۰/۰۰۰ است. با توجه به اینکه سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۱ است بنابراین همبستگی مشاهده شده در نمونه آماری با در نظر گرفتن ۱ درصد خطا قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد. در نتیجه بین متغیر مدیریت دانش و بهسازی در جامعه آماری مورد مطالعه همبستگی وجود دارد. بنابراین H_0 را رد کرده و H_1 را می پذیریم. ضریب تعیین برابر با ۰/۴۶ است که نشان می دهد متغیر مدیریت دانش ۴۶ درصد از واریانس متغیر بهسازی را تبیین می کند. یعنی هرگونه توجه به سرمایه فکری و مدیریت آن در دانشگاه ها باعث افزایش بهسازی فردی، آموزشی، سازمانی اعضای هیئت علمی می شود.

سؤال ۹: به نظر می رسد بین متغیر خلاقیت با بهسازی اعضای هیئت علمی در دانشگاه های مجری آموزش از دور رابطه وجود دارد؟

جدول ۶. بررسی رابطه بین خلاقیت و بهسازی

متغیر مستقل	خلاقیت
متغیر وابسته	بهسازی
ضریب همبستگی پیرسون (R)	۰/۸۰۷
ضریب تعیین (R Square)	۰/۶۵
معناداری (sig)	۰/۰۰۰

نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می دهد در تمام مؤلفه ها، میانگین حاصله از میانگین معیار (عدد ۵۰) بیشتر است. بر اساس نتایج آزمون T تک نمونه می توان گفت تفاوت بین میانگین مؤلفه ها با میانگین معیار معنادار بوده و قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد. بنابراین می توان گفت در تمام مؤلفه ها و متغیر بهسازی میزان متغیرها بیشتر از متوسط است. یعنی در شاخص بهسازی آموزشی، اعضای هیئت علمی دانشگاه های مجری آموزش از دور، از تدوین درس و ارائه برنامه های میان رشته ای، انتقال مفاهیم آموزشی و ارتباط مؤثر با دانشجویان، ارائه مشاوره های دانشجویی، ارزشیابی منظم و سیستماتیک، آشنایی با الگوها و روش های جدید تدریس و از قدرت تشخیص به موقع مسائل و مشکلات آموزشی برخوردارند و در شاخص بهسازی سازمانی، از قدرت رهبری و مهارت های تأثیر گذاری، ارتباطی اثربخش، فرایند، مدیریت تعارض، زمان و استرس برخوردارند و در شاخص بهسازی فردی، از قدرت خلاقیت و نوآوری، روحیه انتقاد پذیری، تشویق به مشارکت، ارتباطات میان فردی، برنامه ریزی شغلی و خود مدیریتی برخوردارند.

سؤال ۷: به نظر می رسد بین متغیر مدیریت دانش با خلاقیت اعضای هیئت علمی در دانشگاه های مجری آموزش از دور رابطه وجود دارد؟

جدول ۴. بررسی رابطه بین مدیریت دانش و خلاقیت

متغیر مستقل	مدیریت دانش
متغیر وابسته	خلاقیت
ضریب همبستگی پیرسون (R)	۰/۷۷
ضریب تعیین (R Square)	۰/۵۹
معناداری (sig)	۰/۰۰۰

نتایج ضریب پیرسون نشان می دهد بین دو متغیر مدیریت دانش و خلاقیت در جامعه آماری همبستگی معنادار مستقیم و قوی وجود دارد. مقدار ضریب پیرسون برابر با ۰/۷۷ و معناداری متناظر با آن برابر با ۰/۰۰۰ است. با توجه به اینکه سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۱ است. بنابراین همبستگی مشاهده شده در نمونه آماری با در نظر گرفتن ۱ درصد خطا قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد. در نتیجه بین متغیر مدیریت دانش و خلاقیت در جامعه آماری مورد مطالعه همبستگی وجود دارد. بنابراین H_0 را رد کرده و H_1 را می پذیریم. ضریب تعیین برابر با ۰/۵۹ است که نشان می دهد متغیر مدیریت دانش ۵۹ درصد از واریانس متغیر خلاقیت را تبیین می کند. یعنی هر چه قدر خلاقیت اعضای هیئت علمی بالاتر باشد توانایی آنان در حل مسائل بیشتر و

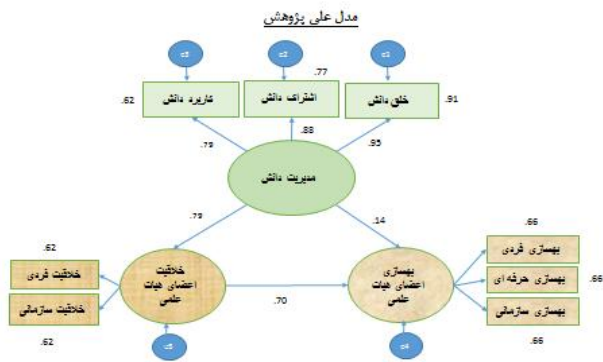
افزایش خواهد یافت که این بیانگر وجود شدت همبستگی قوی بین کسب دانش و خلاقیت در دانشگاه‌هاست.

برازش مدل و تحلیل مسیر

برای تحلیل مسیر و بررسی برازش مدل از معادلات ساختاری (با کاربرد نرم‌افزار AMOS) استفاده شده است. شکل زیر مدل تحلیلی ارتباط بین مدیریت‌دانش با متغیر خلاقیت را نشان می‌دهد. مقدار روی فلش‌ها، ضرایب مسیر و مقادیر روی مستطیل‌ها، مقدار واریانس تبیین شده است. جدول ۸ آماره‌های مربوط به برازش مدل را نشان می‌دهد.

لازم به ذکر است حاصل CMIN/DF هر چه کوچک‌تر باشد بیانگر برازش بهتر است و معمولاً عدد ۵ را به‌عنوان نقطه برش مدنظر قرار می‌دهند. شاخص RMSEA نیز هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد بیانگر برازش بهتر است. معمولاً عددی بین ۰/۵ تا ۱/۰، به‌عنوان نقطه برش مدنظر قرار می‌گیرد. سایر شاخص‌ها (IFI و CFI) هر چه به یک نزدیک‌تر باشد (با نقطه برش ۰/۹۰) بیانگر برازش بهتر است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود حاصل تقسیم مقدار خی‌دو بر درجه آزادی برابر با ۱۱/۷۰۱ است. همچنین مقدار IFI برابر با ۰/۹۷۱، مقدار CFI برابر با ۰/۹۷۱ و مقدار RMSEA برابر با ۰/۱۷۴ است. در مجموع از ۴ شاخص مربوط به برازش مدل ۲ شاخص در حد ایده آل و دو شاخص دیگر تفاوت اندکی با حالت ایده آل دارد. در مجموع می‌توان با تسامح گفت مدل از برازندگی نسبتاً مناسبی برخوردار است.



نتایج ضریب پیرسون نشان می‌دهد بین دو متغیر خلاقیت و بهسازی در جامعه آماری همبستگی معنادار مستقیم و قوی وجود دارد. مقدار ضریب پیرسون برابر با ۰/۸۰۷ و معناداری متناظر با آن برابر با ۰/۰۰۰ است. با توجه به اینکه سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۱ است بنابراین همبستگی مشاهده‌شده در نمونه آماری با در نظر گرفتن ۱ درصد خطا قابل‌تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. در نتیجه بین خلاقیت و بهسازی در جامعه آماری مورد مطالعه همبستگی وجود دارد. بنابراین H_0 را رد کرده و H_1 را می‌پذیریم. ضریب تعیین برابر با ۰/۶۵ است که نشان می‌دهد متغیر خلاقیت ۶۵ درصد از واریانس متغیر بهسازی را تبیین می‌کند. پس بنابراین، بهسازی اعضای هیئت‌علمی نقش اساسی را در نوآوری و ارتقای تعالی دانشگاهی ایفاء می‌کند؛ و خلاقیت اعضای هیئت‌علمی پیش‌شرط لازم برای بهسازی آموزشی، سازمانی و فردی آن‌ها می‌باشد و به‌عنوان کمک می‌کند تا به‌طور اثربخش در کلاس درس و کارهای پژوهشی موفق عمل کنند.

سؤال ۱۰: مؤلفه‌های مدیریت‌دانش چه میزان از واریانس متغیر خلاقیت را تبیین می‌کنند؟

در ادامه مؤلفه‌های مدیریت‌دانش را در دستگاه رگرسیون قرار می‌دهیم تا بدین‌وسیله بتوان به‌طور دقیق‌تر بیان کرد که ۳ مؤلفه مدیریت‌دانش، در مجموع چند درصد از واریانس متغیر خلاقیت را تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام‌به‌گام (Stepwise) در زیر آمده است. نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام‌به‌گام نشان می‌دهد در مرحله اول، متغیر خلق دانش وارد معادله رگرسیون شده است.

جدول ۷. بررسی ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین برای بررسی رابطه بین مؤلفه‌های مدیریت‌دانش و خلاقیت؟

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود مؤلفه خلق دانش با متغیر خلاقیت دارای همبستگی قوی (۰/۷۳۹) است. این متغیر به تنهایی حدود ۵۴ درصد از واریانس متغیر خلاقیت را تبیین می‌کند. یعنی هر چه میزان خلق دانش در سازمان افزایش داشته باشد میزان خلاقیت نیز در بین اعضای هیئت‌علمی

جدول ۷. بررسی ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین برای بررسی رابطه بین مؤلفه‌های مدیریت‌دانش و خلاقیت

مرحله	متغیرها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	F	معناداری
۱	خلق دانش	۰/۷۳۹	۰/۵۴۴	۴۲۳/۵۹۴	۰/۰۰۰
۲	خلق دانش تسهیم دانش	۰/۷۷۱	۰/۵۹۲	۲۵۷/۹۴۸	۰/۰۰۰
۳	خلق دانش تسهیم دانش کاربرد دانش	۰/۷۷۴	۰/۵۹۶	۱۷۵/۱۷۲	۰/۰۰۰

جدول ۸. شاخص‌های برازش مدل*

RMSEA	CFI	IFI	خی‌دو	درجه آزادی	CMIN (خی‌دو)
۰/۱۷۴	۰/۹۷۱	۰/۹۷۱	۱۱/۷۰۱	۴	۴۶/۸۰۶

*CMIN/DF (خی‌دو تقسیم بر درجه آزادی)، NFI (شاخص برازش تعدیل شده)، CFI (شاخص برازش مقایسه‌ای)، IFI (شاخص برازش افزایشی)، RMSEA (ریشه میانگین مجذور خطای برآورد).

مجری آموزش از دور از نظر وضعیت موجود مدیریت دانش طبق نظر اعضای هیئت‌علمی، از فضای مساعد و مناسب جهت به اجرا درآوردن نظریه‌ها و ایده‌های خود، آزادی عمل، جو و فرهنگ مناسب برای تبادل دانش بین همکاران، استقبال افراد از آشکارسازی دانش، توانایی انجام کار گروهی، وجود سازوکارها و ابزارها در دانشگاه‌ها برای تبدیل دانش نهان به دانش آشکار برخوردارند. بنابراین می‌توان گفت در تمام مؤلفه‌ها و متغیر مدیریت دانش، میزان متغیرها بیشتر از متوسط است. این پژوهش با پژوهش‌هایی که توسط Niazazari, Rezgi, Jourabchi, Murri Alstete انجام گرفته در یک راستا می‌باشد. پس می‌توان گفت مدیریت دانش به‌عنوان یک راهبرد آگاهانه به خلق دانش، توزیع و تسهیم‌دانش، کاربرد دانش و افزایش عملکرد آموزشی اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌های مجری آموزش از دور می‌پردازد [۲۸-۳۲].

نتایج به‌دست‌آمده از وضعیت موجود متغیر خلاقیت نشان می‌دهد که اعضاء از بعد فردی خلاقیت، دارای قابلیت حل مسئله با یک‌رویه صحیح و گام‌به‌گام، اهمیت دادن به عقاید و باورها، احساسات شهودی بالا و نهایتاً از یک شخصیت قابل اعتماد و مسؤلیت‌پذیر برخوردارند و در بخش خلاقیت سازمانی، میزان با ارزش بودن خلق دانش در دانشگاه، استقبال از تغییرات مناسب، احساس تعلق به دانشگاه، روحیه انتقادپذیری، آزادی عمل در اظهارنظر و از بین بردن روحیه محافظه‌کارانه، استفاده از روش تصمیم‌گیری مشارکتی و از حمایت مالی دانشگاه‌ها از تحقیق و توسعه برخوردارند. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های Esmith, Amabil Vatankhah, Rezaee در یک راستا می‌باشد. یعنی هر چه قدر خلاقیت اعضای هیئت‌علمی بالاتر باشد توانایی آنان در حل مسائل بیشتر و استفاده آنان از مدیریت دانش نیز بیشتر خواهد بود. افراد خلاق، دارای انگیزه پیشرفت جمعی و تمایل بیشتری به ارتقای سطح دانش خود و دیگران در مقایسه با افراد غیر خلاق می‌باشند [۳۳-۳۶].

نتایج به‌دست‌آمده از وضعیت موجود متغیر بهسازی اعضای هیئت‌علمی نشان می‌دهد، اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور، از تدوین درس و ارائه برنامه‌های

همان‌طور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود کل اثر علی مدیریت دانش بر خلاقیت ۸۰٪، کل اثر علی مدیریت دانش بر بهسازی ۶۹٪، و کل اثر علی خلاقیت بر بهسازی برابر با ۷۰٪ است. با در نظر گرفتن آرایش متغیرها، در مجموع ۶۶ درصد واریانس متغیر بهسازی و ۶۲ درصد واریانس متغیر خلاقیت تبیین می‌شود.

جدول ۹. اثر علی متغیرها

نام متغیر مستقل	نام متغیر وابسته	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	کل اثر علی
مدیریت دانش	خلاقیت	۰/۷۹	۰/۰۹۸	۰/۸۰
مدیریت دانش	بهسازی	۰/۱۴	۰/۵۵۳	۰/۶۹۳
خلاقیت	بهسازی	۰/۷۰	-	۰/۷۰

بحث و نتیجه‌گیری

در عصر حاضر، منابع انسانی یک دارایی ارزشمند برای سازمان‌ها به حساب می‌آیند. دانشگاه‌ها برای رویارویی و مقابله با عوامل عدم اطمینان، حفظ موقعیت و ایجاد خلاقیت و نوآوری جهت گسترش عرصه رقابتی خود، باید مدیریت دانش و متقابلاً خلاقیت، آموزش و بهسازی اعضای خود را، به‌عنوان یک نیاز استراتژیک و ضروری مورد توجه قرار دهند.

پژوهش حاضر به دنبال الگوی جدیدی بوده است که با استفاده از داده‌ها و اطلاعات واقعی طراحی و بر اساس آن به سؤال‌های پژوهش در خصوص وضعیت موجود، مطلوب متغیرهای پژوهش، رابطه و تأثیر شاخص‌های مدیریت دانش بر خلاقیت و بهسازی اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌های مجری آموزش از دور پاسخ دهد. با توجه به اینکه تا به حال، مدلی در کاربرد مدیریت دانش در افزایش خلاقیت و بهسازی اعضای هیئت‌علمی در آموزش از دور طراحی و تدوین نشده، جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش است.

همچنین در پژوهش حاضر، تمامی شاخص‌های مدیریت دانش، خلاقیت و بهسازی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور با توجه به بالا بودن میانگین حاصل از میانگین معیار (عدد ۵۰) در سطح مطلوبی قرار دارند. یعنی دانشگاه‌های

دانش بر بهسازی ۶۹۳/ و کل اثر علیّی خلاقیت بر بهسازی برابر با ۷۰/ است. در جدول شاخص‌های برازش مدل، حاصل تقسیم مقدار خی‌دو بر درجه آزادی برابر با ۱۱/۷۰۱ است. همچنین مقدار IFI برابر با ۰/۹۷۱، مقدار CFI برابر با ۰/۹۷۱ و مقدار RMSEA برابر با ۱/۷۴ است. در مجموع از ۴ شاخص مربوط به برازش مدل ۲ شاخص در حد ایدئال و دو شاخص دیگر تفاوت اندکی با حالت ایدئال دارد. در مجموع می‌توان با تسامح گفت مدل از برازندگی نسبتاً مناسبی برخوردار است و سرانجام برای اینکه اعضای هیئت‌علمی را همگام با تحولات نوین در آموزش نگهداریم، نیاز به خلاقیت و بهسازی مداوم فردی، حرفه‌ای و سازمانی آن‌ها در دانش و مهارت و نگرش‌ها داریم و اگر این کار را به‌خوبی انجام دهیم می‌توانند به عناصر تغییر بسیار مناسبی در دانشگاه‌ها تبدیل شوند

تقدیر و تشکر

بر خود واجب می‌دانم از استاد محترم راهنما خانم دکتر صفری و اساتید محترم مشاور، آقایان دکتر سردی و دکتر فرج‌اللهی و از کلیه اعضای محترم هیئت‌علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور که مرا در انجام رساله یاری نمودند تشکر و قدردانی کنم.

تاییدیه اخلاقی

به اعضای هیئت‌علمی شرکت‌کننده در پژوهش در خصوص محرمانه بودن پرسشنامه‌ها اطمینان داده شد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارضی در منافع، فرایند نگارش و فرایند داوری مقاله در بین نویسندگان وجود نداشت.

منابع مالی

کلیه هزینه‌های این پژوهش توسط نویسنده مسئول تأمین شده است.

میان‌رشته‌ای، انتقال مفاهیم آموزشی و ارتباط مؤثر با دانشجویان، ارائه مشاوره‌های دانشجویی، ارزشیابی منظم و سیستماتیک، آشنایی با الگوها و روش‌های جدید تدریس و از قدرت تشخیص به موقع مسائل و مشکلات آموزشی برخوردارند و در شاخص بهسازی سازمانی، از قدرت رهبری و مهارت‌های تأثیرگذاری، ارتباط اثربخش، مدیریت تعارض، زمان و استرس برخوردارند و در شاخص بهسازی فردی، از قدرت خلاقیت و نوآوری، روحیه انتقادپذیری، تشویق به مشارکت، ارتباطات میان فردی، برنامه‌ریزی شغلی و خود مدیریتی برخوردارند. نتایج این پژوهش با پژوهشی که توسط poor Karimi انجام شده در یک راستا می‌باشد. اما مغایر با نتایج Norshahi, Ejtehad, Hoseini Nasab & Samiei می‌باشد^[۳۷-۴۰]. یعنی هرگونه توجه به سرمایه فکری و مدیریت آن در دانشگاه‌ها باعث افزایش بهسازی فردی، آموزشی، سازمانی اعضای هیئت‌علمی می‌شود.

در این پژوهش برای تحلیل مسیر و بررسی برازش مدل از معادلات ساختاری (SEM) (نرم‌افزار AMOS) که تحلیل چند متغیری بسیار نیرومند از خانواده رگرسیون چند متغیری است استفاده شده که به محقق امکان داد تا سه متغیر مدیریت دانش، خلاقیت و بهسازی و شاخص‌های آن‌ها را به‌طور هم‌زمان مورد آزمون قرار دهد. شاخص‌های برازش مناسب مدل شامل NFI (شاخص نرم شده برازندگی)، NNFI (شاخص نرم نشده برازندگی)، RMSEA (شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب)، GFI (شاخص نیکویی برازش) و RMR (شاخص ریشه میانگین مجذورات باقی‌مانده) می‌باشد. بدین‌صورت که مدلی از برازش مناسب برخوردار است که میزان NFI، NNFI، CFI، IFI و GFI از ۰/۹۰ بیشتر، RMSEA کمتر از ۰/۱ و همچنین RMR کمتر از ۰/۰۵ باشد. در پژوهش حاضر، شاخص‌های مدیریت دانش (خلق، تسهیم و کاربرد) بر کل شاخص‌های خلاقیت (فردی و سازمانی) و بهسازی (فردی، حرفه‌ای، سازمانی) تأثیرگذار هستند بطوریکه کل اثر علیّی مدیریت دانش بر خلاقیت ۰/۸۰، کل اثر علیّی مدیریت

References

- Zahedi S, Bazargan A. The relationship between cybernetics and knowledge management. Quarterly Journal of Research and Planing in Higher Education. 2010;20(63):1-25.
- Todaro, M.P. & Smith, S.C. Economic development. 11th ed. Essex: Pearson Education Limited. 2011;(4): 254
- Hassanzadeh M. Knowledge Management: Concepts and infrastructure. 1st ed. Tehran : Ketabdar Publishers; 2008.
- Azmi I, Legal and ethical issues in knowledge management in Malaysia. computer law & security review. 2010;(26):61- 71.

5. Alageband A, The theoretical principles of learning management (printing 21) Tehran; Ravan Publishers;2009.
6. Mumford MD, Licuanan B. Leading for innovation: conclusions, issues and directions, The leadership Quarterly.2004; (1) 15: 71-163.
7. Darroch J, McNaughton R. Examining the link between knowledge management practices and types of innovation. Journal of Intellectual Capital. 2002; (3) : 210-222.
8. yagooby M, Karimi S, Javadi, M A. The association between organizational learning and knowledge management in the hospital staffs of Isfahan, Journal of Health Administration. 2009; (13) 42.
9. Newman B B, Conrad, K. W. A Framework for Characterizing Knowledge Management Methods, Practice, and Technologies, in: Proceedings of the Practical Aspects of Knowledge Management, (PAKM), The Knowledge Management Forum, Basel, Switzerland. 2000: 16-33.
10. Adli F. knowledge management, Tehran: Publication Farashenakhti.2007.
11. yagooby M, Karimi S, Javadi, M A. The association between organizational learning and knowledge management in the hospital staffs of Isfahan, Journal of Health Administration. 2009; (13) : 42.
12. Baladehi A M. Explores the relationship between knowledge management and creative staff, management studies on police training, since.2013; (1) : 25.
13. Rahimi H. Explores the relationship between KM initiatives and creativity of faculty members, the first national conference on knowledge management, Tehran.2007.
14. Pirkhaefi A. The effective factors on ignoring innovation and creativity in universities, creativity & innovation. 2004; (1).
15. Allard S. Knowledge Creation, Handbook on Knowledge Management. 2003; (1) : 367-379
16. Rabii A, Mirza Hassan M, Maali M. Implementation of knowledge management experience is invaluable in Tehran Oil Refining Company, Journal of management and human resources.2009; (7) : 141-168.
17. Hosseini M. Factors affecting the creativity and innovation and provide a strategy for promotion of faculty members, Journal of Educational Strategies. 2010; 3 (1) : 1-6.
18. Cullen J. Knowledge management (review), Journal of American Society for Information Science and Technology. 2001; (13):1190-1192.
19. Amir Sadeghi M. Model of conception to measure creativity, police bimonthly human development; seventh year.2010; (30):98-101.
20. Abzari M, Shaemi M, Talebi H, Abdul Manaf S. The gap between current and desired status of knowledge management in Iran's car industry, public administration. 2011; 3(6) : 19-34.
21. Ramzdan P. Learning in higher education leadership, Translation grandson of Abraham et al. 1380 Publication Planning Research Institute of Higher Education, Tehran.1997.
22. Brynteson R. The Manager's Pocket Guide to Innovation, HRD , Inc.2010.
23. Safari S. The role of faculty in the promotion of interdisciplinary studies, interdisciplinary studies in the humanities. 1391; 5 (4) : 35-51.
24. Liao Sh. H; Wu, Ch. Ch.; Tsui K. Relationships between knowledge acquisition, absorptive capacity and innovation capabilityan empirical study on Taiwan's financial and manufacturing industries", Journal of Information Science. 2010; 36 (1) : 19-20
25. Cooper R. E-learning in the World; London: Falmer.2004.
26. Salehi Kerdabad S. Explain the relationship between employee creativity and the amount of KM initiatives in the National Iranian Oil Products Distribution Tehran, Journal of Human Resource Management oil industry, the fifth year.2013; (17).
27. Farajollahi M, Sarmadi, MR, Namati, SH. A needs assessment study of the remote education system in line with PNU equal opportunity of education faculty members and students, Journal - New Thoughts of Educational Research,1388. 5 (3) :145-187.
28. Niazazari K. The Role of Knowledge Management on the creativity of teachers in secondary schools, Journalof Management. 1390; (21) :79-87.
29. Rezgi H. The role of knowledge management on the performance of managers of Islamic Azad University, 8th District. Master's thesis, University.1387.
30. Jourabchi M. The impact of knowledge management on the performance of secondary school teachers in girls schools in Tehran Roodehen master's thesis.1387.
31. Alstete W. Posttenure Faculty Development: Building a System for Faculty Development. 2000.

32. Murry P J. Faculty development in Texas Two-year colleges, *Community college journal of research and practice*. 2000; (24):251-256.
33. Rezaee Z. Evaluation of training courses provided according to the needs of the employees' academic units of Fars province, thesis.1385.
34. Vatankhah S, Mostafaei D, Karimi S. Impact of Organizational Factors on creativity and productivity Shohada hospital staff, and cultivate *Journal of Medicine*.1392; 22 (1) :32-25.
35. Amabila T . A Model of Creativity and Innovation in Organizations In *Research in Organizational Behavior* . B . M . Staw and L.L. Cummings (eds).1988; (10) .
36. Smith G F. Idea-Generation Techniques : A Formulary Of Active Ingredients . *Journal Of Creative Behavior*. 1998; 32 .
37. Pourkarimi J. Designing a model for faculty development in Jahad Daneshgahi.(Doctoral dissertation). University of Tarbiat Moallem, Tehran. practices and types of innovation. *Journal of Intellectual Capital*. 2009;210-222.
38. Hosseini nasab S D. The performance of faculty development centers in universities, Tehran: Institute for Research and Planning in Higher Education.1373.
39. Ejtehadi M. Identify the dimensions of faculty development in order to provide a conceptual model, *Journal of Research and Planning in Higher Education*.1390; (62) : 21-46.
40. Norshahi N, Samiei H. Examining the quality of work life among public universities faculty members in Iran and presenting strategies for its improvement. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*. 2011; 17 (1): 91-114.